

بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری گروه‌های تکفیری در غرب آسیا (ابعاد و رویکردها)

۱ سعید جهانگیری

۲ ناصرگروسی

۳ اسماعیل بیات

۴ فرید سعیدی

چکیده:

در سال‌های اخیر گروه‌ها و فرقه‌های تروریستی زیادی در سرزمین‌های اسلامی شکل گرفته‌اند. ظهور گروه‌های تکفیری سلفی بعنوان بازیگرانی غیر رسمی، بر ابهام در آینده منطقه غرب آسیا که گروهک تروریستی داعش از مهمترین تحولات اخیر در منطقه به شمار می‌رود. ظهور این گروه نشانگر آغاز مرحله جدیدی از سلفی‌گرایی رادیکال با اندیشه‌های ابن تیمیه و سیدقطب در جهان است. قدرت یابی این گروه در چند ماه اخیر در حدی بوده که توانسته به عنوان کنشگر غیردولتی فعال در صحنه عراق ظاهر گردد. هدف اصلی ما در این نوشتار که از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است به دنبال پاسخ به چگونگی شکل‌گیری گروه‌های تکفیری در غرب آسیا است؟ در پاسخ دریافتیم که غرب و به ویژه آمریکا برای مدیریت این بی‌ثباتی و استخراج منافع خود، از راهبردهای متنوع و متعددی بهره گرفته است که از آن جمله می‌توان به راهبرد آشوب‌سازنده اشاره نمود.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، جریان‌ات تکفیری و سلفی، خاورمیانه، تروریست، بحران

^۱ - دکتری تخصصی، علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول

Saeedjahangiri61@yahoo.com

^۲ - عضو هیات علمی، دانشگاه پیام نور، البرز، ایران

Naser.garusi@yahoo.com

^۳ - دکتری تخصصی، علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

bayatesm@gmail.com

^۴ - دکتری تخصصی، علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

saeedi.farid@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۲

مقدمه و بیان مساله

فرهنگ سیاسی به عنوان محور بحث در این تحقیق در نظر گرفته شده است و سعی در تبیین ارتباط آن با پیدایش جریان‌های تکفیری و سلفی مدنظر می‌باشد. در وهله اول باید مفهوم فرهنگ سیاسی تبیین گردد. "فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است". (آلموند و همکاران، ۱۳۷۷: ۷۱) "فرهنگ سیاسی مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌های است که به فرایندها و زندگی سیاسی شکل می‌بخشد". (بشیریه، ۱۳۸۶: ۳۳۰) "فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی است که ریشه در رفتار عمومی و نیز تجارت شخصی دارد". (قوام، ۱۳۹۲: ۶۹)

فرهنگ سیاسی خود به سه بخش عمده طبقه‌بندی می‌شود: فرهنگ سیاسی محدود (بسته یا سنتی)، فرهنگ سیاسی تبعی (انفعالی) و فرهنگ سیاسی مشارکتی (فعال). به طور کلی معمولاً فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه ترکیبی از انواع فرهنگ‌های سیاسی است که به صورت اختصاصی ترکیبی از فرهنگ سیاسی سنتی (محدود) و تبعی (منفعل) می‌باشد که به فراخور زمان و موقعیت‌های پدید آمده در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی در حال تغییر و حرکت از سنتی به تبعی و از تبعی به سنتی می‌باشد. عمده ویژگی‌های فرهنگ‌های سیاسی سنتی و تبعی که شباهت‌های باهم نیز دارند عبارت است از: عدم آگاهی از اهداف و تصمیمات سیاسی، آگاهی ضعیف و متوسط از اهداف و تمنیات سیاسی و در عین حال عدم مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرای آن. از نظر المغربی زندگی اجتماعی اعراب در چارچوبی از زنجیره اقتدار و رابط تبعیت میان پدر و فرزندانش، برادران و خواهران و پیرها شکل می‌گیرد. این مسئله در رابطه میان حکومت کنندگان و حکومت شونده‌گان نیز ادامه می‌یابد. این مهم برای افراد به منظور پذیرش هرگونه نظام اقتدارگرایانه طبیعی می‌شود. (غفاری هاشجین و دیگری، ۱۳۹۲: ۱۷۳-۱۷۲) بر این اساس استبداد، حاکم بر نظام‌های سیاسی در خاورمیانه به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی فرهنگ سیاسی حاکم بر جوامع خاورمیانه تلقی نمود. "رژیم‌های حاکم در خاورمیانه دارای ویژگی‌های هستند که آن ویژگی‌ها از یک طرف امکان گذر دموکراتیک را منتفی می‌کنند و از سوی دیگر باعث تشدید بنیادگرایی می‌شوند که مانعی مضاعف بر سر راه دموکراسی محسوب می‌شود". (رنجبر، ۱۳۹۰: ۱۸۹) در پی تحولات داخلی در جهان اسلام، مسلمانان از یک طرف گرفتار فقر و فلاکت، جهل و جمود، ظلم و استبداد، فساد و تباهی و خواب غفلت شده و در نهایت در عجز و درماندگی دست و پا می‌زدند و از طرف دیگر چنان وضعیت داخلی آنها در معرض هجوم غرب و ورود تمدن جدید غربی قرار گرفتند که با دو چهره دانش، تفکر جدید، صنعت، تکنولوژی و چهره

سیاسی استعماری و غارت‌گرانه متوجه جهان اسلام شده بود. (موثقی، ۱۳۸۹: ۹۳) دومین جریان و حرکت معتقد به اصلاح، احیاء، بازسازی و بازگشت به بنیاد و اصل دین بود. این جریان معتقد بودند که با زدودن انحراف و خرافات و اندیشه‌های قشری می‌توان دوباره به جوهره و روح واقعی اسلام بازگشت. به عبارتی مبانی نظری و فکری حرکت‌های تکفیری و سلفی منشعب این جریان می‌باشد. جریان سوم نیز همانند جریان نخست منشعب از مبانی فکری و نظری غرب بود که بر این اساس اندیشه‌های ناسیونالیستی و میهن‌پرستی را به وجود می‌آورد. مانند پان‌عریسم، پان-ترکیسم و پان‌ایرانیسم. (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۲-۲۹) سوالی که در این پژوهش در صدر پاسخ به آن هستیم این است چه عواملی نقش مهمی بر شکل‌گیری و تکوین جریان‌های تکفیری در غرب آسیا داشته‌اند؟ و مهمترین اهداف این پژوهش این است که نشان دادن تصویری روشن از بحران خاورمیانه و شرایط کنونی این بحران؛ آشنایی با ریشه‌های شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و تروریستی در غرب آسیا و دلایل ایجاد و گسترش بحران در سوریه می‌باشد.

مبانی نظری

ادبیات نوسازی و توسعه

بعد از جنگ جهانی دوم و از دهه ۱۹۶۰ ادبیاتی در میان اندیشمندان شکل گرفت که به دنبال عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم و همچنین راه‌های برون رفت از آن بودند. آنها با روی آوردن به نمونه‌های صوری بودند که به گونه‌ای انتزاعی، فقط به دنبال یافتن وجه مشترک تمامی روندهای نوسازی از جمله سیاسی بودند. (بدیع، ۱۳۷۹: ۲۳) که این امر بیشتر شامل ساختارهای سیاسی می‌شد، اما از نظر آلموند و وربا این نوع نوسازی، شامل مجموعه‌ای از طرز فکرها و رفتارهای کم و بیش به هم پیوسته نیز می‌شد. (همان: ۵۹) آلموند و وربا همانند ادبیات توسعه سیاسی آن زمان به دنبال توسعه تک خطی بودند که کشورهای جهان سوم باید لزوماً در مسیر کشورهای غربی قرار گیرند که این امر از نظر آلموند و وربا باید در زمینه فرهنگ و نگرش و جامعه پذیری سیاسی مردم صورت گیرد، که این امر را از طریق الگو واحد و مشترکی به اسم فرهنگ مدنی پیگیری می‌کردند.

- کارکرد گرایي: تالکوت پارسونز از نظریه‌پردازان مشهوری است که مفاهیم تئوری کنش و کارکردگرایانه وی اساس و چارچوب نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا قرار گرفت. پارسونز در تئوری خود، معتقد بود که هر نظام عبارت است از مجموعه‌ای از عناصر که به هم تأثیر و تأثر متقابل داشته و هر کدام نقشی را بر عهده دارند. البته نقش‌ها از یک طرف مبتنی بر پایگاه اجتماعی فرد یا گروه می‌باشند. از طرف دیگر از ارزش‌ها و هنجارها سرچشمه می‌گیرند.

از مجموع چند نقش یک ساختار مانند دانشگاه و از مجموع چند ساختار، نظام به وجود می‌آید و نظام‌ها و ساختارها هر کدام دارای کارکرد خاصی دارند. وی فرهنگ را به سه ایستار شناختی، عاطفی و ارزشی تقسیم بندی می‌کند که البته آلموند و وربا با پذیرش این سه ایستار، اظهار می‌دارند که جهت گیری فرد شامل سه جزء می‌باشد؛ ۱- جهت گیری شناختی: به معنی اطلاع، اعم از دقیق و غیر دقیق از نظام سیاسی ۲- جهت گیری نفسانی: به معنای احساس وابستگی، دخالت، طرد و امثال آن راجع به موضوعات سیاسی ۳- جهت گیری ارزشی: به معنای قضاوت راجع به موضوعات سیاسی. (آل غفور، ۱۳۷۵: ۱۸) همچنین در زمینه تأثیرات دیگر کارکردگرایی، می‌توان به مسئله سازواری و تعارض ارزش‌ها به عنوان موضوع محوری تبیین رفتارهای سیاسی تلقی کرد... که این از نظر آلموند و وربا باید به دنبال قسمتی از هنجارها و ارزش‌ها باشیم که این خود به ایجاد حکومتی مؤثر و با ثبات کمک می‌کند. (قوام، ۱۳۷۱: ۴۴۹)

- نظریه سیستم‌ها: دیوید ایستون [iv] (نظریه پرداز نظریه سیستم‌ها) در عین اهمیت محدودی که به فرهنگ در نظریه خود قائل است، فصلی را به آن اختصاص می‌دهد تا از آن به عنوان «تنظیم کننده تغییر و تبدیل خواسته‌ها» یاد کند. طبعاً وی در اینجا بر ویژگی منع کنندگی آن تأکید می‌کند که بار خطر بیش از حد نظام را کاهش می‌دهد. (بدیع، ۱۳۷۶: ۶۰) در نظریه آلموند و وربا نیز، سیاست همچنان معطوف به ساختارهای سیاسی و عملکرد آن و هر چیزی که به اداره عمومی مربوط می‌شود، باقی ماند. در دیدگاه آنها تحت تأثیر نظریه سیستم‌های (ایستون) نظام‌های سیاسی، دارای یک کلیت به نام نظام یا سیستم با عملکرد و نقش‌های خاص خود و دارندگان این نقش‌ها بود... نظام سیاسی هم دربرگیرنده ساختار نظام و هم خود ملت، ابعاد درون داد شامل رسانه‌ها، احزاب، گروه‌های ذی نفوذ، مجالس قانون گذاری و قوه مجریه بود. ابعاد برون داد، شامل نهادهای چون ارتش، پلیس، نهادهای مدنی، ادارات، خدمات و نهادهای آموزشی بود. (قیصری و شکوری، ۱۳۸۱: ۳۲-۳۳)

- ادبیات مطالعه مقایسه‌ای: در امریکا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطالعه جدیدی در زمینه سیاست‌های مقایسه‌ای زیر نظر شورای تحقیقات علوم اجتماعی انجام گرفت. کمیته سیاست‌های مقایسه‌ای که در سال ۱۹۵۴ بر پاشد، محور اصلی بررسی‌های خود را مطالعه توسعه سیاسی قرار داد که در این راستا نخبگان سیاسی، جامعه پذیری سیاسی، احزاب سیاسی، گروه‌های ذی نفوذ، ساختار حکومتی، الگوی نهادینگی، نظام انتخاباتی، رژیم‌های توتالیستی و ... مورد بررسی قرار گرفت ... بررسی ابعاد جدید تحلیل مقایسه‌ای از سوی دیوید ایستون در زمینه نظریه سیاسی، کارل دوپیچ در مورد نظریه ارتباطات، سیمور مارتین لیپس درباره مشارکت و گابریل آلموند و

سیدنی وربا در باب فرهنگ سیاسی صورت گرفت. (قوام، ۱۳۷۲: ۸-۹) بعد از اینکه به روش‌شناسی و عوامل تأثیرگذار بر نظریه آلموند و وربا اشاره‌ای شد، اینکه بیان نظریه آنها به توجه به عوامل گفته شده می‌پردازیم.

آلموند و وربا در کتاب خود فرهنگ مدنی به جهت گیری احساسی، ارزشیابی، و شناختی اهمیت زیادی می‌دهند و این را به خوبی از تعریفی که از فرهنگ سیاسی در این کتاب ارائه دادند نمایان است: «فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از تمایلات شناختی، تحلیلی (ارزشیابی) و احساسی است که نسبت به پدیده‌های سیاسی ابراز می‌شود» (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۲۱) و در جای دیگر این کتاب این موضوع به خوبی مطرح شده است: «زمانی که از فرهنگ سیاسی یک جامعه صحبت می‌کنیم به نظام‌های سیاسی، آن چنان که در شناخت، احساسات و ارزشیابی افراد آن نظام درونی شده‌اند، بر می‌گردیم». (ایمانی، باستانی، ۱۳۸۲: ۱۲) بر این اساس آنها برای پی بردن به فرهنگ سیاسی هر گروه یا جامعه می‌بایست به این سه نوع جهت گیری بر می‌گشتند و زمانی که این سه نوع جهت گیری به سمت نظام سیاسی تنظیم شوند، شکل خاصی از فرهنگ را به نام فرهنگ سیاسی به وجود می‌آید. از این جهت آنها گونه شناختی فرهنگ سیاسی را از ترکیب انواع جهت گیری‌های درونی شده و اهداف این جهت گیری را بیان می‌کنند. (بدیع، ۱۳۷۹: ۵۹)

عوامل شکل گیری بحران سوریه

در خصوص عوامل داخلی و اولیه شکل گیری بحران، علاوه بر عواملی مانند موقعیت راهبردی و وجود نظام سیاسی اقتدارگرای سوریه، می‌توان به عواملی دیگر نظیر مشکلات اقتصادی، شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی در این کشور، رشد اسلام‌گرایی افراطی و مداخله خارجی اشاره کرد. (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) البته در سوریه، عوامل پیش‌زمینه‌ای زیادی از جمله مسائل روحی- روانی در کنار مشکلات اقتصادی برای ایجاد بحران وجود داشته است. در جریان شکل‌گیری این بحران، عواملی نظیر تنفر مردم از آمریکا به دلیل حمایت از اسرائیل، حادثه ۱۱ سپتامبر در تاریخ ۲۰۰۱، حمله آمریکا به کشورهای خاورمیانه و مقاومت اسلام‌گرایان رادیکال در مقابل این حوادث، محبوب شدن اسلام‌گرایی افراطی را نزد پاره‌ای از آحاد و اقشار جامعه سوریه، موجب شد (آجورلو، ۱۳۹۱: ۶۱)؛ از دیگر عوامل شکل‌گیری چنین بحرانی می‌توان به مشکلات اقتصادی سوریه اشاره کرد؛ سوریه از لحاظ اقتصادی در رده کشورهای فقیر جهان محسوب می‌شود؛ البته سازمان ملل در راستای بهبود اوضاع اقتصادی سوریه، اصلاحاتی را انجام داده است؛ بشار اسد نیز در اوایل زمامداری خود برای حل مشکلات معیشتی و رفاهی مردم، بسیار وعده داد؛ ولی این وعده‌ها با توجه به مشکلات عمیق ساختاری در این کشور، محقق نشدند و هر روز، شکاف

طبقاتی و آمار بیکاری میان مردم سوریه تشدید شد. (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۸)

به علاوه باید دانست که سوریه در سیاست خارجی، به طور معمول، دارای استقلال رأی بوده، از محور مقاومت حمایت کرده است (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۱)؛ در واقع، عامل مهم دیگر، معارضان حکومت سوریه هستند. معارضان اصلی در داخل سوریه عبارت‌اند از:

جبهه النصره: جبهه النصره مورد حمایت عربستان و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بوده، هسته‌هایی مختلف را برای مبارزه در سوریه ایجاد کرده است. اولین حضور النصره در بحران سوریه به اوایل سال ۲۰۱۲ بر می‌گردد و از آن زمان تاکنون، این گروه به یکی از سازمان یافته‌ترین و مجهزترین گروه‌های شورشگر ضد رژیم بشار اسد تبدیل شده است. (نصر، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

جبهه اسلامی سوریه: این جبهه از گروه‌های سلفی فعال است که در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳ از ترکیب گروه‌های نظامی و رهبران سلفی از جمله گروه لواء التوحید، احرار الشام، لواء الصقور الشام، لواء الحق، انصار الشام و جیش الاسلام و گروه کردی جبهه الاسلامیه الکرديه در سوریه تشکیل شده است. (Zayani, 2005: 14)

دولت اسلامی شام و عراق یا داعش

مهم‌ترین گروه تکفیری بحران سوریه محسوب می‌شود. ریشه داعش به گروه تروریستی «القاعده عراق» باز می‌گردد که از لحاظ فکری برگرفته از اندیشه‌های افراطی ابومصعب الزرقاوی بود. (NBC News, 2014) در سال ۲۰۱۰ ابوبکر البغدادی به عنوان رهبر جدید این گروه، ظاهر شد. البغدادی که اصلتش عراقی است با کشته شدن المصری به دست نیروهای آمریکایی و عراقی به عنوان رهبر گروه انتخاب شد و در ماه آوریل سال ۲۰۱۳ به صورت رسمی موجودیت داعش عراق را همراه با شعار و پرچم این گروه معرفی کرد. (Ulrichsen, 2014: 3)

داعش و گسترش بحران: در واقع گسترش بحران سوریه، با پیدایی داعش، بی‌ارتباط نیست؛ زمانی که در آوریل سال ۲۰۱۳، ابوبکر بغدادی، شکل‌گیری «حکومت اسلامی شام و عراق» را به طور رسمی اعلام کرد (ویس و حسن، ۲۰۱۵: ۱۳)؛ همچنین، شرایط در سوریه زمانی وخیم‌تر شد که گروه‌های رادیکال اسلامی مانند طالبان پاکستان، جندالخلافة در الجزایر، انصار بیت المقدس در مصر، بخش‌هایی از گروه امارت اسلامی در قفقاز و... بیعت خود را با دولت اسلامی البغدادی اعلام کردند (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۵)؛ این گروه پس از چاپ سکه، ایجاد شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و ثبت هویت، «تهدید» کشورهای جهان را آغاز کرد و ابومحمد عدنانی، سخن‌گوی داعش در تهدید ضد جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که داعش قصد دارد ایران را به باتلاقی

از خون تبدیل کند و ایران، بدترین دشمن داعش است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۵)؛ آنها همچنین با توجه به تلاش برای تکمیل مثلث بحران، به اقدام‌های غافلگیرکننده تروریستی در سراسر جهان دست می‌زنند تا با این هدف، وحشت جهانی را برای افزایش قدرت خود در سراسر دنیا حکم فرما کنند؛ در این راستا حملات تروریستی پاریس و بلژیک نیز پس از تهدیدهای داعش برای به خاک و خون کشیدن ممالک صلیبیون به وقوع پیوست؛ در پی این حملات، ۱۵۳ کشته و ۲۰۰ زخمی در جریان حمله انتحاری در نزدیکی «ورزشگاه استاد دو فرانس» در آبان ماه ۱۳۹۴ و ۳۰ کشته و ۱۳۶ زخمی در جریان حمله تروریستی به فرودگاه بروکسل بلژیک فروردین ماه ۱۳۹۵ بر جای ماندند. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵)

دلایل اصلی منازعات قومی و مذهبی در جوامع خاورمیانه

یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های فرهنگ عشیره‌ای جنگ، نزاع و غارت است. بر همین اساس سعدالدین ابراهیم، استاد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آمریکایی قاهره و رئیس موسسه مطالعاتی توسعه ابن‌خلدون در مقاله پیکار قومی و دولت‌سازی در جهان عرب که در کتابی توسط پپا نوریس و نیک آر کدی و دیگر همکارانش تحت عنوان **جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی** گردآوری شده است درباره منازعات قومی در خاورمیانه می‌نویسد:

«ریشه‌های منازعات در خاورمیانه قومی است. تمامی پیکارهای مسلحانه جهان از سال ۱۹۸۸ تاکنون به استثنای تجاوز عراق به کویت بر سر مسائل قومی داخلی بوده است. در حال حاضر پیکارهای قومی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا را درنوردیده است. خاورمیانه عربی با داشتن ۸ درصد جمعیت جهان از ۱۹۴۵ بدین سو شاهد بیست و پنج درصد پیکارهای مسلحانه دنیا بوده است. بسیاری از این جنگ‌ها ریشه در پیکارهای قومی داشته‌اند. پیکارهای مسلحانه قومی و پیکارهای بین کشوری در این منطقه به لحاظ هزینه‌های انسانی و مادی آن قابل مقایسه هستند. پیکار اعراب و اسرائیل (با وقوع ۶ جنگ و تداوم مبارزه فلسطینیان و لبنانی‌ها علیه اشغال‌گری اسرائیل) مسئول بیش از ۲۰۰ هزار تلفات انسانی در چهل سال گذشته بوده است. برعکس طی همین دوره پیکارهای قومی چندین بار به همین میزان تلفات جانی گرفته است. جنگ داخلی لبنان (۱۹۹۰-۱۹۷۵) با همین تعداد تلفات به تنهایی با مجموع جنگ‌های اعراب و اسرائیل برابری می‌کرد. جنگ داخلی سودان (که از ۱۹۵۶ هر از چندگاهی بروز می‌کرده است) دست کم پنج برابر جنگ‌های اعراب و اسرائیل قربانی گرفته است. (Gray, 2013: 8) به لحاظ آوارگی جمعیت، ویرانی فیزیکی و هزینه‌های مالی نیز خسارات نسبتاً مشابهی در پی داشته است. در دهه ۱۹۹۰ انتظار می‌رفت که پیکارهای مسلحانه موجود در منطقه در مقایسه با جنگ‌های

بین کشوری بیشتر خصلتی درون کشوری داشته باشد. فعال‌گرایی مسلحانه اسلامی در شماری از کشورهای خاورمیانه عربی به منابع کنونی پیکارهای مسلحانه افزوده خواهد شد». (نوریس و دیگری، ۱۳۸۸: ۱۷۷) یکی از نکات شگفتی‌آور از نظر سعدالدین ابراهیم مربوط مفهوم قومیت است که در معنای مرسوم‌اش همگنی قوم را نشان می‌دهد اما علیرغم ظاهر همگن بودن قومی و مذهبی جوامع عربی است، اما باز هم منازعات قومی نقش اساسی در درگیری‌های جوامع خاورمیانه دارد.

نظریه اسلامگرایان

اسلامگرایان طبعاً مذهب را سنگ بنای همبستگی سیاسی فرهنگ، جامعه و دولت می‌پندارند. این امر به خودی خود غیر مسلمانان را از سیاست‌های مربوط به جهان عرب مستثنی می‌سازد، یعنی حدود ۱۸ میلیون نفر عمدتاً مسیحی همراه با چند صد هزار نفر یهودی. این مستثنی‌سازی در شکل ناب افراطی خود حدود ۲۱ میلیون مسلمان غیر سنی (یعنی فرقی مختلف شیعی و خوارج) را نیز در بر می‌گیرد. (3 khatib, 2014) جریان اصلی اسلامگرایان این استثنا را محدود می‌انگارد، یعنی محدود به ممنوعیت غیر مسلمانان از به عهده گرفتن مناسب عالی (مانند سران دولت، فرمانداری و قضاوت) می‌شود. مبنای منطقی استدلال آنها این است که دارندگان چنین مناصبی نه تنها نقش‌های دنیوی بلکه وظایف مذهبی، امامت جمعه، اجرای شریعت و اعلان جهاد به مومنان را انجام می‌دهند در بینش تمامی مسلمانان قطع نظر از منشأ قومی، فرهنگ یا ملی خود مساوی تلقی می‌شوند. بر این اساس کردهای مسلمان (در عراق و سوریه)، بربرها (در الجزیره و مراکش) و مسلمانان سیاه پوست (در موریتانی و سودان) «اقلیت» تلقی نمی‌شوند. بینش اسلام‌گرایانه نسبت به «نظم سیاسی» طبیعتاً خوشایند غیرعرب‌ها و اعضای مسلمان جامعه خواهد بود که «شهروندی» آنها برپایه مذهب است. روشن است که در چنین جامعه سیاسی غیر مسلمانان در جهان عرب احساس ترس و بیگانگی می‌کنند. (نوریس و دیگری، ۱۳۸۸: ۱۸۱)

تاثیر فرهنگ سیاسی در شکل‌گیری داعش

از جمله مناطقی که امروزه جریان تکفیری و سلفی به صورت فعال در حوادث سیاسی آن نقش آفرینی می‌کند، کشورهای عراق و سوریه است. در این میان، گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شامات (داعش) که جریانی خشونت طلب و رادیکال بوده و سودای خلافت در سر دارد، در سوریه و عراق فعال شده و بخش‌هایی از سرزمین این کشورها را تصرف کرده و رهبرشان خود را خلیفه مسلمانان خوانده است. این جریان ریشه گرفته از جبهه النصره است؛ جریانی که از

القاعده منشعب شده است. به عبارتی داعش انشعابی از القاعده است. سه مولفه اصلی داعش و جریان‌های تکفیری و سلفی فرهنگ سیاسی خلافت، جهاد و شهادت می‌باشد. (غفاری هاشجین و دیگری، ۱۳۹۳: ۹۰)

تکفیری‌ها خودکشی را برای کشتن دشمنان خدا شهادت می‌دانند و آنها مستقیم وارد بهشت می‌شوند. الظواهری در مورد پیشگامی در توقف عملیات نظامی، می‌گوید که مرگ بهتر از عقب‌نشینی است و از سید قطب نقل می‌کند که «برادر، به سمت جلو حرکت کن، سرت را به راست یا چپ نچرخان و تنها به بهشت نگاه کن». (بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۴)

یکی از سیاست‌های ویژه بغدادی جذب افراطیون آزاد شده از زندان‌های عراق و آمریکا بود که در میان آنها افرادی با تجربه در امر بمب‌گذاری، انفجار و جنگ‌هایی چریکی بود و این امر داعش را کانون عملیات‌های انتحاری کرد و افراد مختلف را از جهان به خود جذب کرد. داعش موفق شد از ساختارهایی چون مسجد، محاسن، شعار لاله‌الله و امثال آن بهره‌گیری مناسبی برای عضوگیری و بسیج و شارژ روحی هواداران داشته باشد. (نصری، ۱۳۹۳: ۷۳) داعش برای القا، انتخاب و تعلیم شهادت‌طلبی از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت بهره زیادی می‌برد و به افراد آموزش می‌دهد برای مقابله با موضوع نسل‌کشی، اشغالگری، صهیونیسم و امپریالیسم بین‌المللی، بهترین راه عملیات انتحاری و قربانی کردن خود برای رضای امت مسلمان و تقویت قدرت اسلام است. داعش در زمینه عملیات انتحاری به اعتقادات وهابیون که «هرکس هفت شیعه را بکشد به بهشت می‌رود و شام را با پیامبر می‌خورد» و با تعالیم ایدئولوژیکی کودکان و ایجاد نفرت از شیعیان، تعلیم کشتار انسان‌ها را آموزش می‌دهد. (غفاری هاشجین و دیگری، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۰۵)

دیدگاه خلافت و جهاد در فرهنگ سیاسی جریان‌های تکفیری

از مصادیق احیای خلافت توسط داعش می‌توان به خواندن خطبه در مسجد جامع موصل توسط ابوبکر البغدادی با برخورداری از تحصیلات عالی و در نتیجه اشراف بر تاریخ فکر در جهان اسلام و بهره‌گیری از قاطعیت و خشونت فراوان برای برقراری خلافت خویش، نشانگر آغاز عصر جدیدی در سیر تاریخ سلفی‌گرایی در تمدن اسلامی است. (زارع، ۱۳۹۳: ۸۱) تفکر داعش و همراهی آن با باور قوم‌گرایانه بعثی و ادعای «خلافت اسلامی» آنان یادآور عهد عباسی به اذهان است. «ابوبکر البغدادی القریشی‌الحسینی» در رویای رسیدن به دوره جدید از خلافت، آن هم از جنس عباسیان که اطلاق «بغدادی‌اش» ریشه در آن دارد تلاش کرده که از اطلاعات تاریخی خود، زیرکانه بهره جسته و در راس سپاه داعش، سپاه جامگان خود را به مانند سپاه سیاه‌پوش ابومسلم خراسانی به پشت باروی بغداد برساند. منطق وی در انتخاب نام «ابوبکر» خلیفه نخست، برای

پیوند دادن خود به عهد خلافت نخستین اسلامی نزد اهل سنت و جماعت است. «قریشی» دانستن را با هدف طرح صلاحیت برای تصدی امور حرمین شریفین مورد بهره‌برداری قرار داده است. سرانجام «حسینی» بودن خود را با توجه به تاثیرگذاری بر شیعیان عراق برگزیده است، اما برخی پژوهشگران معتقدند که وی، نقش عبدالله سفاح را در شکل‌گیری خلافت عباسی دارد، وی با پوششی چندگانه همه را می‌فریبید تا دوران گذار برای روی کار آمدن خلیفه اصلی را به پایان رساند. (غفاری هاشجین و دیگری، ۱۳۹۳: ۹۸)

از نکات قابل توجه در زمینه خلافت داعش، لزوم توجه به این امر است که، این گروه اهدافی فراتر از عراق و سوریه دارد و بر اساس این باور نام گروه را «دولت اسلامی» انتخاب کرده است. به این منظور، ابوبکر بغدادی در سخنرانی خود به مناسبت اعلام خلافت به عمد بر این جنبه تاکید کرد که در «دولت اسلامی» عرب‌ها و غیر عرب‌ها، سفیدپوستان و سیاه‌پوستان، شرقی‌ها و غربی‌ها و همه در کنار همدیگر به صورت برادرانه زندگی خواهند کرد. عراق تنها به عراقی‌ها متعلق نبوده، سوریه تنها متعلق به سوری‌ها نیست. سرزمین از آن خداست و همه در آن حق دارند زندگی کنند. با این تفاسیر این جریان سودای جهانی شدن را در سر می‌پروراند، زیرا از عنوان دولت‌های اسلامی سخن نمی‌گوید، بلکه مدعی برقراری حکومت اسلامی است. (همان: ۹۹)

فقه اسلامی، اعم از اهل سنت و شیعه، جهاد را بر دو نوع ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌کند. در دیدگاه سنتی اصل بر جهاد است و منظور جهاد ابتدایی است که به صورت واجب کفایی بر هر مسلمانی واجب است. در دیدگاه اهل سنت، جهاد از وظایف دینی و تعلق‌ناپذیر مسلمانان تا روز قیامت تلقی می‌شود. (غفاری هاشجین و دیگری، ۱۳۹۳: ۹۹) گروه‌های سلفی متعدد «جهادی»، «تکفیری» و «سلفی»، با شعار بازگشت به سلف صالح خواهان بازگشت به اصل دین هستند و ابزار و روش آن را «قیام به سیف» یا «جهاد» می‌دانند. (حقیقت، ۱۳۹۳: ۸۵) جهاد در نزد سلفیان جدید ابزار تحقق خلافت است. جهاد با مفاهیم «قیام»، «اقامه دولت اسلامی»، «دار-الاسلام» و «دارالحرب» پیوند دارد. سلفیان جدید جهاد را به هر شکل و وسیله‌ای، جایز می‌دانند. به عبارت دیگر، انجام هر کاری از طرق قانونی و رسمی، یا غیر رسمی و مخفیانه که با هدف مقابله با کفر و ایجاد دولت اسلامی باشد، جهاد تلقی می‌شود. (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰۰) جریان‌های سلفی تکفیری وحدت را با خشونت دنبال می‌کنند و با کافر خواندن مسلمانان با آنان درگیر می‌شوند. ابن تیمیّه، پدر معنوی همه گروه‌های جهادی، با عقل به کلی مخالف است، مگر اینکه در جهت تایید نقل و حدیث باشد، او هرگونه تعامل با کفار و مشرکین را حرام دانسته، تفکرات اسلامی شیعیان را نیز مردود و آنها را کافر می‌داند. از نظر جهادی‌ها در اوضاع کنونی جهان، تنها

راه برپایی اسلام و تشکیل خلافت، جهاد است. (به نقل از پایگاه اینترنتی تحولات داعش، ۱۳۹۳) زرقاوی در اعلامیه‌های خود همواره به فتوای ابن تیمیه استناد می‌کرد. خلیفه موصل نیز خود را دنباله‌رو ابن تیمیه می‌داند، بنابراین قلمروگشایی و فتح اراضی از مبانی جنگی داعش است. کسب قدرت مالی از طریق فتح مناطق نفتی آنها را در مقابل رقبا قوی کرد. بغدادی به دنبال فتح عراق، سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و اسرائیل نیز هست و هر گروهی این سازمان را قبول نداشته باشد دشمن است. (پورفرد، ۱۳۸۶: ۲۳-۱۶)

داعش برای توجیه اشتباهات خود، فضای موجود در عراق و سوریه را به سمت جنگ مذهبی سوق داده است. هم‌چنین از طریق تحریک احساسات جوانان خام و پر شور اهل سنت در منطقه و جهان به امید واهی ورود به بهشت و سعادت اخروی، آنان را به سوی خود و کام مرگ می‌کشاند. بغدادی با انتشار بیانیه‌ای، عقاید دولت اسلامی را در ۱۹ بند ذکر کرده است. آنها فقط خود را مسلمان دانسته و دیگران هر چند مسلمان باشند کافر، مرتد و مشرک هستند. آنها به سرعت به تکفیر دیگران اقدام نموده و قتل و غارت اموال دیگران را (اگر چه مسلمان باشد) به اندک دلیلی جایز، بلکه واجب می‌دانند. شیعیان را رافضی، مشرک و مرتد و کشتن آنها را واجب می‌دانند؛ پیامبر اکرم بالاترین مقام را دارد و هرکسی ادعا کند کسی بالاتر از ایشان و ائمه است مستوجب مجازات است، پس شیعیان و صوفیان که بعضاً بزرگان خود را همپا یا بالاتر از آنان قرار می‌دهند از این گروه محسوب می‌شوند؛ از نگاه داعش غرب‌زدگی با هر تنوعی که باشد و گرایش‌های ملی‌گرای، وطن‌پرستی، کمونیستی و بعثی، کفر آشکار و موجب نقض اسلام و خروج از دین است و هرکس و حزبی که به دنبال این موارد باشد همگی مرتد هستند؛ هر کسی به اشغالگران به هر عنوان کمکی کند خونش مباح است؛ جهاد از زمان سقوط اندلس بر همه واجب عینی است و نهی جهاد بعد از نهی خدا بزرگ‌ترین گناه است؛ در هر سرزمینی احکام اسلام اجرا نشود سرزمین کفر است و کشتن آنها از کشتن صلیبون واجب‌تر است؛ گروه‌های اهل کتاب و صائبین اهل ذمه شمرده نمی‌شوند و برای زندگی در قلمرو دولت اسلامی باید پیمان جدیدی با آن داشته باشند؛ آزادی اسیران خود از طریق جنگ واجب است. (غفاری هشجین و دیگری، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۰)

نتیجه گیری

در بررسی تاریخ سیاسی، اجتماعی جهان پس از جنگ جهانی دوم هیچ نقطه‌ای در جهان به اندازه منطقه خاورمیانه پر حادثه و تنش‌زا نبوده است. انواع تحولات و حوادث از درگیری‌های بین منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ در دوران جنگ سرد تا کشمکش‌های بین دول منطقه، از نزاع‌های

قومی و مذهبی تا پیدایش جریان‌های سیاسی و اجتماعی بنیادگرا، از کودتاها تا انقلاب‌هایی که نظام‌های سیاسی را تغییر داده‌اند، تاریخ سیاسی و اجتماعی این منطقه را تحت‌شعاع خود قرار داده‌اند. در کنار مولفه‌هایی هم‌چون اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک این منطقه برای قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و وجود ذخایر عظیم انرژی هم‌چون نفت و گاز، مولفه‌ها و متغیرهای دیگری نیز هم‌چون مولفه‌های اجتماعی که زمینه‌ساز شکل‌گیری این تحولات و حوادث است را باید در نظر داشت.

بعد از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی و شکل‌گیری نقشه خاورمیانه توسط دول غربی، بر اثر بافت اجتماعی و تکثر قومی عشیره‌ای که این شکل‌گیری بدون توجه به فرهنگ و زیست بوم این قبایل انجام پذیرفته بود باعث ایجاد جریان‌ها و جنبش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شد. این جریان‌ها در اصل واکنشی به پیامدهای پیدایش مصنوعی این دول بود. این جریان‌ها و جنبش‌ها در قالب ملی‌گرایی (ملی‌گرایی پان عربیسم)، سوسیالیستی و چپ، ناسیونالیسم و سوسیالیسم (حزب بعث) و در نهایت بنیادگرایی دینی که ما امروزه از آن تحت نام جریان تکفیری و سلفی یاد می‌کنیم تجلی یافتند. از علل پیدایش این جنبش‌ها می‌توان به زمینه‌های مختلفی اشاره کرد ولی از اهم آنها زمینه‌های اجتماعی و بسترهای فرهنگی این جوامع است که در بطن زمینه‌های اجتماعی می‌توان به مولفه "فرهنگ سیاسی" اشاره نمود. - فرهنگ سیاسی عبارت است از: مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌هایی که به فرایندها و زندگی سیاسی شکل می‌بخشند و در تعریفی دیگر فرهنگ سیاسی عبارت است از: انگاره‌ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسئولیت‌های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی.

در بررسی جامعه‌شناختی جوامع خاورمیانه از جمله عراق و سوریه متوجه می‌شویم هر دو این جوامع از لحاظ ساختار اجتماعی و صورت‌بندی فرهنگی، قومی و مذهبی دارای شکلی متکثر و موزائیکی هستند. به اصطلاح جامعه‌شناسان دارای نظامی غیرهمگون می‌باشند. از سوی دیگر این جوامع از جمله عراق و سوریه روند تغییر و گذر از جامعه سنتی به مدرنیته را آغاز نکرده و یا با آهنگی بسیار کند و موانعی بسیار زیاد آغاز نموده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های چنین جوامعی، فرهنگ نظام عشیره‌ای حاکم بر مناسبات اجتماعی است. مشخصه‌های فرهنگ سیاسی نظام عشیره‌ای را می‌توان به اختصار در قالب خویشاوندگرایی، روحیه جنگاوری و ستیزه‌جویی؛ بقا و بسط عشیره از طریق تهاجم و غارت، متصور شد. از سوی دیگر سیادت و مشروعیت در این جوامع مبتنی بر سیادت سنتی و مولفه‌های آن می‌باشد. می‌توان گفت که "عصبیت" قومی و فرهنگی عامل اساسی همبستگی ساخت اجتماعی جامعه را در چنین جوامعی به وجود می‌آورند.

حال با نظری به جهانی شدن و اجبار به ارتباط با جامعه جهانی و واقف شدن به این موضوع که استعمار یا فرهنگ سیاسی و اجتماعی قومی، قبیله‌ای و عشیره‌ای داخل این جوامع باعث عقب‌ماندگی و تحقیر آنها شده است، این اقوام و گروه‌های اجتماعی در صدد پیدا کردن راه حلی برای برون رفت از این وضعیت شدند. چنانچه توضیح داده شد وجود عصبیت و خویشاوندگرایی و در پی به قدرت رسیدن هر یک از این قبیله‌ها و نزاع مستمر و دائمی در بین گروه‌های قبیله‌ای قومی و تفاخر هر یک از قبیله‌ها به هویت مختص به قبیله خود مانع به وجود آمدن نقطه اشتراکی بین این قبایل شده است. حس ناسیونالیستی یا هویت مشترک و همگن در بین این قبایل بسیار کم‌رنگ و شکننده بوده است، به طوری که در پی نیافتن راه حلی برای این موضوع و آزمون خطاهایی که در این کشورها به وجود آمد، این گروه‌ها به این نتیجه رسیدند دوران طلایی و شکوفایی این جوامع مربوط به صدر اسلام و زمان پیامبر بوده است به همین دلیل برای گریز از تحقیر و سرخوردگی از نداشته‌های خود به سلف و شریعت زمان پیامبر پناه بردند، چون قدرت-مندترین نقطه اشتراک قبایل و عشیره‌های این جوامع برای فرار از حس عقب‌ماندگی، مولفه دین و مذهب به خصوص بازگشت به سلف بود. پس برای متحد شدن و تشکیل جامعه‌ای با هویتی یکپارچه (امت اسلامی) از این مولفه بهره‌بردند که به صورت گروه‌های تکفیری، سلفی و بنیادگرا خود را نشان داد و چون دین اسلام دارای مرز ملی نبوده، بنابراین قائل به ملت نیست و اصطلاح امت را برای افراد خود برمی‌گزیند که این مورد می‌تواند کلیه قبیله‌ها و عشیره‌ها را در خود مستحیل کند و این خروج از مرز مقوله جهاد را برای نیل به اهداف اسلامی موجه می‌کند. این شرایط باز از روحیه‌هایی که برای این طیف برشمردیم سرچشمه می‌گیرد. گروه موسوم به داعش مرزهای کشورهای سوریه و عراق را درنوردیده و با همان روحیه جنگاوری تحت عنوان جهاد و عملیات استشهادی، خشونت موجود در قبایل را آشکار کرده است. این گروه با اقدام به دزدی و یا غارت موزه‌ها، بانک‌ها، فروش اسیران به عنوان برده، فروش زنان به عنوان کنیز همان روحیه غارت‌گری قبایل و عشیره‌ها را در بازه مکانی بزرگ‌تر ظاهر می‌سازد. احساس تحقیر و سرخوردگی در جوامع خاورمیانه به خصوص عراق و سوریه، در سالیان متمادی به بخشی از فرهنگ سیاسی این ملل تبدیل شده است، چون حس مورد ظلم واقع‌شدگی و اجحاف در حق قوم و عشیره خود را نسل به نسل انتقال داده و به دنبال جبران مافات گذشته می‌گردند و این مسئله و خلاء ناشی از آن باعث تسریع نیروگیری گروه‌هایی تکفیری و سلفی شده است. این گروه‌ها با شعار بازگشت به اوج قدرت و منزلت جهانی در قالب گروه‌های تکفیری و سلفی و بنیادگرا توانسته‌اند التیام بخشی هر چند با تاریخ مصرفی نامعلوم برای این جوامع صادر کنند.

منابع فارسی

کتب

- احمدی، حمید (۱۳۹۰)، سیر تحول جنبش‌های اسلامی، تهران، نشر دانشگاه امام صادق
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی - مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی، تهران، نشر نگاه معاصر
- (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشر نی
- پپیا نوریس و همکاران. (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی، (بررسی موردی)، ترجمه، پرویز دلیرپور، تهران، نشر کویر
- جان ال. اسپوزیتو و دیگری (۱۳۹۱). جامعه مدنی و دموکراسی در خاورمیانه. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، نشر فرهنگ جاوید
- رنجبر، مقصود (۱۳۹۰)، چالش‌های دموکراسی و توسعه در خاورمیانه، قم، نشر علامه
- روا، الویه (۱۳۷۹)، تجربه اسلام سیاسی، ترجمه محسن مدیر شانچی و دیگری، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲)، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران، نشر سمت
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۹)، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، نشر سمت
- گابریل آلموند و همکاران (۱۳۷۷)، چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه، علیرضا طیب، تهران، نشر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مرکز آموزش مدیریت دولتی

مقالات

- آل غفور، سید محمد تقی (۱۳۸۶)، نقش فرهنگ در ساختار سیاسی ایران معاصر، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۷ و ۸، بهار
- احمدی، یعقوب (۱۳۹۲)، فرهنگ سیاسی جوامع اسلامی (با تاکید بر بررسی وضعیت ارزش‌های رهاينده)، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره نهم، شماره ۱
- بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۸۵)، جهاد از ابن تیمیه تا بن لادن، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع). قم: دانشگاه باقرالعلوم، سال ۹، شماره ۳۴
- پورفرد، م. (۱۳۸۶)، جهان اسلام و رادیکالیزم افراطی، مجله پگاه حوزه قم، سال ۸، شماره ۲۰۴
- حقیقت، س، ص. (۱۳۹۳)، آیا همه سلفی‌گرایان نقل‌گرا هستند؟ مهنرنامه، سال ۵، شماره ۳۷
- زارع، حامد (۱۳۹۳)، از شریعت نامه‌نویسی تا برپایی دولت شرعی، مهنرنامه، سال ۵، شماره ۳۷

- زاهد غفاری هاشجین و دیگری. (۱۳۹۲)، **تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی**، فصلنامه ژئوپلتیک، سال نهم، شماره سوم
- (۱۳۹۳)، **مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان تکفیری سلفی**، (مطالعه موردی داعش).
فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام. سال ۳، شماره ۱۱
- عدالت‌نژاد، سعید (۱۳۹۰)، **سلفیان تکفیری یا الجهادیون**، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۳
- محمد تقی ایمانی، داریوش بوستانی (۱۳۸۲)، **بررسی تطبیقی مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردان و زنان بالای ۲۰ سال شهر شیراز**، فصلنامه نامه پژوهش، شماره ۷، پاییز
- نصری، قدیر (۱۳۹۳)، **موج سوم خلافت خواهی**، مهرنامه، سال ۵، شماره ۳۷
- نورالله قیصری، ابوالفضل شکوری (۱۳۸۱)، **فرهنگ سیاسی، پژوهشی در ساختار و تحولات نظری یک مفهوم**، مجله نامه مفید، شماره ۳۲، آذر و دی

English Resources

- Coates Ulrichsen, Kristian (2014), **QATAR AND THE ARAB SPRING Policy Drivers and Regional Implications**, Carnegie Endowment for International Peace
- Gray, Matthew (2013), **Qatar: Politics and the Challenges of Development**, Lynne Rienner Publishers
- Khatib, Lina (2014), **Qatar and the recalibration of power in the Gulf**, Carnegie Middle East center
- Zayani, Mohamed (2005), **Witnessing the Intifada, Al Jazeera's coverage of the Palestinian Israel conflict**, The Al Jazeera Phenomenon, Critical Perspectives on New Arab Media, Pluto Press